

اشاره:

گاهی بعضی تصاویر خیلی قدیمی (می‌گویم خیلی قدیمی، چون قدیمی‌ها هم از تیر تحریف در امان نماندند!) را که نگاه می‌کنم، پوشش زنان و حتی مردان برابم جالب است؛ حالا فرقی نمی‌کند که عکس‌ها برای ایران خودمان باشد یا آن طرف آبی‌ها! فیلم‌های قدیمی را هم که ببینی (کاری به شمال و جنوب و شرق و غرب فیلم ندارم‌ها) لباس زنان و مردها، لباسی پوشیده است. البته توی همین فیلم‌ها هم باز باید گفت خیلی قدیمی‌هایش! نمونه دم دستی‌اش همین سریال پزشک دهکده. (ذهنتان را به هیچ جا نبرید لطفاً، جز پوشش خانم‌ها) لباس زنان توی این سریال چطور بود؟ یادتان که هست؟... یا قصه‌های جزیره ... اصلاً چرا راه دور برویم؟ تصاویر حک شده بر آثار به جا مانده از هخامنشیان خودمان. هر چند شاید تصاویر زنان خیلی مشخص نباشد، ولی پوشش‌ها کاملاً پیداست. راستی چرا این بشر دو پا هر چه بیشتر از نظر علمی پیشرفت می‌کند، از نظر اخلاقی دارد سقوط می‌کند؟ ... انگاری زیادی از مغزش کار می‌کشد، بعد نتیجه‌اش این می‌شود که هنگ می‌کند، بعد مغزش داغ می‌شود، بعد گرمای مغز کلافه‌اش می‌کند، بعد یک دفعه تصمیم می‌گیرد از شر گرما خلاص شود ... فهمیدید؟ ... نفهمیدید؟؟ ... چرا فهمیدید ... نه؟.

از آن حجاب تا این حجاب چه شده؟!

زهرارضایان



اگر چه بحث عفاف فقط به حجاب محدود نمی شود و حجاب و پوشش تنها یک شاخه از این درخت تناور است، اما وقتی بحث عفت در ملل و نحل عالم مطرح می شود، شاید بیشترین چیزی که به اذهان بیاید، بحث حجاب و پوشش باشد.

آثار به جا مانده از انسان های اولیه نشانگر این است که حجاب پیشینه ای به درازای تاریخ دارد و اختصاص به اسلام ندارد. در تصویری از یک نقاش مصری که با توجه به اهرام سه گانه مصر، قدمت آن به سه هزار سال قبل از میلاد می رسد، دختران تمام بدن خود و پسران نیمه پایین بدن را پوشانده اند. نقش برجسته های معبد های کارناسوس در موزه بریتانیا، کتیبه معبد زئوس موزه برلین و مجسمه کاونارنس در موزه ناپل، همگی نشان دهنده پوشش زنان در قبل از اسلام است. در هر کدام از این موزه ها مجسمه هایی از زنان با پوشش کامل وجود دارد که قدمت آن ها به سه هزار سال قبل از میلاد می رسد. از این تصاویر و نقاشی ها، معلوم می شود که اصل حجاب قبل از ظهور اسلام بوده و اسلام تنها حد و مرز آن را مشخص کرده است. به گواهی تاریخ، زنان در یونان، روم، مصر و ایران باستان، به ویژه زنان شهرنشین و زنان طبقه اشراف، خود را می پوشانیدند و از نظرها دور نگه می داشتند. در یونان، زن هنگامی که از خانه بیرون می آمد، بدن و صورت خود را می پوشانید. زنان آشوری به حجاب بدن و صورت و سر عادت داشتند.

عفاف و حجاب در آیین یهود

نگاهی به تعالیم دین یهود، بیانگر آن است که چه در کتاب آسمانی و چه در سنت و سیره پیامبران و بزرگان بنی اسرائیل، ضمن اشاره به رعایت عفاف و پاکدامنی و تأکید بر حجاب زنان، قوانینی نیز برای حفظ عفت عمومی وجود داشته است؛ هر چند در اثر پراکندگی قوم یهود، تفاوت هایی در کیفیت رعایت آن دیده می شود، اما به طور کلی از متون مقدس این آیین می توان یک قاعده اصلی و روش کلی را به دست آورد، حتی اگر بعضی از پیروان کنونی به آن پایبندی کافی نداشته باشند.

ده فرمان خداوند در کوه طور به حضرت موسی (ع) مهم ترین دستور خدا به آن حضرت است که در فرمان هفتم، امر به پرهیز از زنا و در فرمان دهم، امر به طمع نورزیدن به زن همسایه می باشد.^۱ این دو امر به رعایت عفت جنسی و حریم ارتباط زنان و مردان

بیگانه اشاره دارد. در این کتاب آسمانی همچنین به رعایت عفاف توسط دختران اشاره شده است: «دختر خود را بی عصمت مساز و او را به فاحشگی و امدار. مبادا زمین مرتکب زنا شود و زمین پر از فجور گردد».^۲ در نقل ماجرای ازدواج حضرت اسحاق (ع) با رفقه (یا به زبان لاتین ربکا) در سفر پیدایش آمده است: «رفقه چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر فرود آمد؛ زیرا که از خادم پرسید این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید و خادم گفت آقای من است، پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید».^۳ همچنین در مورد عروس یهودا، پسر حضرت یعقوب (ع) می گوید: «پس رخت بیوگی را از خویشتن بیرون کرده و برقی بر روی کشیده و خود را در چادری پوشیده و به دروازه عینایم که در راه تمنه است، نشست».^۴

عبارات روینده و چادر در این جملات بیانگر رواج آن ها در میان بنی اسرائیل است و بر سنت و سیره خاندان انبیای بنی اسرائیل در این زمینه دلالت دارد. در یکی از کتب عهد عتیق به زنانی که حدود الهی را رعایت نمی کنند و از قوانین شرعی سرپیچی می کنند، نسبت به نزول عذاب هشدار داده شده است. در کتاب اشعای نبی که هشدارهای الهی به قوم بنی اسرائیل بیان شده، در مورد زنان گنهکار یهود آمده است: «خداوند می گوید از این جهت که دختران صهیون (زنان یهود) متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می روند و به ناز می خرامند و به پای های خویش خلخال ها را به صدا درمی آورند؛ بنابراین خداوند فرق سر دختران صهیون را کل خواهد ساخت و ...».^۵ در تعالیم تلمود نیز برای حضور زن در اجتماع، شرایط خاصی ذکر شده که عدم توجه به آن موجب بطلان ازدواج آن ها خواهد شد: «زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آن ها اشاره می شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ کتوبا (مهریه) به ایشان تعلق نمی گیرد: زنی که از اجرای قوانین یهود سرپیچی می کند و فی المثل بدون پوشانیدن سر خود به میان مردان می رود، در کوچه و بازار، پشم می ریسد و با هر مردی از روی سبکسری به گفت و گو می پردازد. زنی که در حضور شوهر خود به والدین او دشنام می دهد و زن بلند صدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می کند و همسایگان او می شنوند که چه می گوید».^۶

در طول تاریخ، حجاب همواره از سوی زنان مؤمن یهود رعایت





بلکه انسانیت قلبی در لباس غیرفساد، روح تعلیم و آرام که نزد خدا گرانبهاست؛ زیرا بدین گونه زنان مقدس در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت (باطنی) می کردند و شوهران خود را اطاعت می کردند، مانند ساره که ابراهیم را مطیع می بود و او را آقا می خواند و شما دختران او شده اید.^{۱۱} در رساله پولس نیز چنین آمده است: «همچنین زنان خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گرانبها؛ بلکه چنان که زنانی می شاید که دعوی دین داری کنند، به اعمال صالحه».^{۱۲} پولس به تیطس نیز می نویسد: «اما تو سخنان شایسته تعلیم صحیح را بگو که مردان هوشیار و باوقار و خرداندیش در ایمان و محبت و صبر صحیح باشند. همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت گو و نه بنده شراب زیاد، بلکه معلمات تعلیم نیکو، تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند و خرداندیش و عقیفه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود».^{۱۳}

آنچه از متون بالا به دست می آید، حاکی از پوششی غیر تحریک آمیز و خالی از زینت زنان مسیحی است. حضرت مریم (س) بانوی مقدس عالم مسیحیت و الگوی زنان مسیحی، دارای سیره ای پاک و عقیفانه بود و پوشش سراسری که از صدر مسیحیت تا اوایل رنسانس همواره در شمایل و تصاویر او به تصویر کشیده شده، مؤید این مطلب است. حتی پس از رنسانس نیز با وجود فضای غیر مذهبی که بر همه شئون فرهنگی غرب سایه افکند، باز حضرت مریم (س) با پوشش سر خصوصا با شتل نیلی رنگ دیده می شود که این امر حکایت از رعایت حجاب با استفاده از پوشش سراسری برای سر و اندام در سیره مسیحیت دارد. نگاهی به سیره بزرگان صدر مسیحیت و قرون وسطی نیز بیانگر رعایت عفت و حجاب توسط زنان است که عموم زنان مسیحی نیز به آن پایبند بوده اند. از قرن سیزده و سپس رنسانس است که تحولات عقیدتی و اجتماعی منجر به کاهش رعایت آن می شود. در این زمان که زنان در حفظ حجاب کوتاهی می کردند، در رفتار و گفتار بزرگان مسیحیت، نهی سخن از چنین

می شده است؛ در بعضی دوره ها حتی صورت نیز پوشانده می شده و در برخی تنها پوشش سر انجام می گرفته است. در بعضی روایات تلمود نیز پوشاندن سر با سبد (کلاه توری که زنان دوک‌های ریسندگی خود را بر روی آن می گذاشتند) کافی شمرده شده است. «ویل دورانت» در «تاریخ تمدن» در مورد وضع زنان یهود در قرون وسطی می نویسد: «در طول قرون وسطی یهودیان همچنان زنان خویش را با لباس های فاخر می آراستند؛ لکن به آن‌ها اجازه نمی دادند که با سر عریان به میان مردم روند».^۷ در سفرنامه فلدت آفاناس نیز «یویچ کاتف» درباره پوشش زنان یهودی عصر صفویه می گوید: «مردان و زنان آن‌ها پیراهن آلبالویی رنگ بر تن دارند که از نظر ظاهر شبیه به لباس کشیش های روسی است. زنان روسی زرد رنگی به سر می بندند و صورت خود را نمی پوشانند».^۸ در دوران قاجار نیز زنان یهود از چادر مشکی و روبنده مشکی استفاده می کردند (روبنده بانوان مسلمان سفید بود).^۹

عفاف و حجاب در آیین مسیحیت

مسیحیت، احکام شریعت یهود در مورد حجاب زنان را تغییر نداد؛ بلکه قوانین آن را استمرار بخشید و در برخی موارد قدم را فراتر نهاد و با تأکید بیشتری اهمیت رعایت عفت را مطرح ساخت؛ زیرا در شریعت یهود تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می شود، در حالی که از دیدگاه مسیحیت، مجرد امری مقدس شمرده شده است؛ بنابراین در آیین مسیحیت باید گفت برای از بین بردن زمینه تحریک و تهییج، زنان به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزئین به صورت شدیدتری فراخوانده شده اند. در انجیل متی از قول حضرت عیسی (ع) آمده است: «شنیده اید که به اولین (ادیان گذشته) گفته شده است زنا مکن، لیکن من به شما می گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است. پس اگر چشم راست تو را بلغزاند، قلعش کن و از خود دور انداز...».^{۱۰} در رساله پطرس رسول نیز آمده است: «او شما را زینت ظاهری نباشد، از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشش لباس؛

- به گواهی تاریخ، زنان در یونان، روم، مصر و ایران باستان، به ویژه زنان شهر نشین و زنان طبقه اشراف، خود را می‌پوشانیدند و از نظرها دور نگه می‌داشتند. در یونان، زن هنگامی که از خانه بیرون می‌آمد، بدن و صورت خود را می‌پوشانید.

- در طول تاریخ، حجاب همواره از سوی زنان مؤمن یهود رعایت می‌شده است؛ در بعضی دوره‌ها حتی صورت نیز پوشانده می‌شده و در برخی تنها پوشش سر انجام می‌گرفته است.

- حضرت مریم (س) بانوی مقدس عالم مسیحیت و الگوی زنان مسیحی، دارای سیره‌ای پاک و عقیقانه بود و پوشش سر اسری که از صدر مسیحیت تا اوایل رنسانس همواره در شمالی و تصاویر او به تصویر کشیده شده، مؤید این مطلب است.

- در نقش‌هایی که در ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد.

- در نیمه اول هزاره بعد از میلاد، حجاب سر و جامه بلند در میان زنان شمال آفریقا و سواحل شرقی مدیترانه نیز گسترش یافت.



رفتاری دیده می‌شود؛ برای مثال در کلام «برتولد» اهل «ریجنس بورگ» (حدود سال ۱۲۲۰) آمده است: «شما ای مردان! می‌توانید به این کارها پایان بخشید و دلاورانه به مبارزه با آن قیام کنید، ابتدا با سخن خوش و اگر باز سرسختی نشان دهند، قدم میان نهد و رویند (تزیین شده) را از سر زن کشیده و پاره کنید و حتی اگر چهار دانه از موها نیز کنده شد، آن را در آتش افکنید».^{۱۴} بر اساس تعالیم مسیحیت، زنی که خارج از کانون خانواده به خودارایی بپردازد و باعث لغزش مردان بیگانه گردد، از نظر معنوی دچار مرگ می‌شود؛ زیرا طبق گفته پولس «زن عیاش در حال حیات مرده است».^{۱۵} در قرون اولیه میلادی، رهبانیت توسط بعضی مسیحیان اجرامی شد. در قرن چهارم میلادی به صورت دسته‌جمعی یا جماعت رهبانی و دیرنشینی درآمد^{۱۶} و زنان راهبه در دیرها جدای از راهبان مشغول خدمت می‌شدند.^{۱۷} اکنون بانوان راهبه در همه فرقه‌های رهبانی همچون قرون گذشته، سادگی و دوری از زینت و آرایش ظاهری را همراه با پوشیدگی اندام حفظ کرده‌اند و در روابط با مردان همواره حدود شرعی را رعایت می‌کنند. لباس راهبه‌ها عبارت است از: یک سرپوش سفید رنگ زیرین همراه با یک سرپوش بلندتر که از پشت به زانو می‌رسد و به رنگ تیره‌تر که رنگ مشکی برای مقامات عالی‌تر یا همان «مادران» و رنگ‌های روشن و سفید برای مقامات پایین‌تر یا همان «خواهران» می‌باشد. دامن پیراهن آن‌ها نیز بلند و تاروی پا و جوراب‌شان نیز به رنگ تیره و ضخیم است. این نوع پوشش راهبگان، حکایت از حدود حجاب سنتی (پوشش سر و اندام‌ها به جز صورت و گاهی دست‌ها) دارد، اما امروزه تحت تأثیر فضای مدرنیستی غرب، حجاب زنان در فرقه‌های کاتولیک و ارتدکس، تنها در کلیسا و هنگام عبادت مورد تأکید است و برای زنان مؤمن، تنها عدم زینت ظاهری و آرایش همراه با سادگی در لباس توصیه می‌شود.



حجاب و عفاف در ملل باستان

کتاب «پوشاک باستانی ایرانیان» درباره پوشش زنان در دوران مادها که با تکیه بر نقوش برجسته برجا مانده است، می‌گوید که پوشاک زنان آن دوران از دید شکل با پوشاک مردان یکسان است و در ادامه، درباره آن نقوش می‌نویسد: «مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده می‌شوند. به نظر می‌رسد که زنان پوششی نیز روی سر خود گذارده‌اند و از زیر آن گیسوهای بلندشان نمایان است».^{۱۸} به نظر می‌رسد پوشش زنان در دوران هخامنشیان با دوران مادها چندان تفاوتی نکرده باشد. پیرامون پوشاک زنان در این دوره، نوشته‌اند: «از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی برمی‌خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. به زنان دیگر آن دوره نیز برمی‌خوریم که از پهلو به اسب سواراند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری تا به میچ پانمایان است».^{۱۹}

ویل دورانت درباره زنان در دوران هخامنشیان می‌گوید: «زنان طبقات بالای اجتماع جرئت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند. هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان اختلاط کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را، حتی پدر یا برادرشان باشد، ببینند. در نقش‌هایی که در ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد».^{۲۰}

درباره حجاب زنان اشکانی نیز چنین می‌خوانیم: «لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تاروی زمین، گشاد، پرچین، آستین‌دار و یقه‌راست بوده است. پیراهن دیگری داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند و قد این یکی نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است. روی این دو پیراهن چادری سر می‌کردند».^{۲۱} در زمان ساسانیان نیز همانند دوران پیش از آن، زنان از چادر به عنوان پوشاک رو استفاده می‌کردند و در

زیر آن پیراهنی می‌پوشیده‌اند.^{۲۲}

دایرة المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان می‌گوید: زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و امبرجوس و دیگر جزایر ساخته می‌شد. زنان فنیقی نیز دارای پوششی قرمز بودند. سخن درباره حجاب، در لابلای کلمات قدیمی‌ترین مؤلفین یونانی نیز به چشم می‌خورد؛ حتی «بنیلوب» (همسر پادشاه «عولیس»، فرمانروای ایதாக) نیز با حجاب بوده است. زنان شهر «ثیب» دارای حجاب خاصی بوده‌اند، به این صورت که حتی صورتشان را نیز با پارچه می‌پوشاندند. این پارچه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتوانند ببینند. در «اسپارته» دختران تا موقع ازدواج آزاد بودند، ولی بعد از ازدواج خود را از چشم مردان می‌پوشاندند. نقش‌هایی که بر جای مانده، حکایت می‌کند که زنان سر را می‌پوشانده‌اند، ولی صورت‌هایشان باز بوده است و وقتی به بازار می‌رفتند، بر آنان واجب بوده است که صورت‌هایشان را بپوشانند؛ خواه باکره و خواه دارای همسر باشند. حجاب در بین زنان سیبری و ساکنان آسیای صغیر و زنان شهر ماد (و فارس و عرب) نیز وجود داشته است. زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بوده‌اند، به طوری که وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند تمام بدن را تاروی پاها می‌پوشاندند و چیزی از برآمدگی‌های بدن مشخص نمی‌شد.^{۲۳} یکی از تاریخ نویسان غربی نیز شواهد زیادی دال بر وجود حجاب در بین زنان یونان و روم باستان آورده است. او درباره «الیه عفت» که یکی از خدایان یونان باستان است، می‌گوید: «آرتامیس»، الهه عفت است و عالی‌ترین نمونه (و الگو برای) دختران جوان به شمار می‌آید. دارای بدنی نیرومند و ورزیده و چابک و به زیور عفت و تقوا آراسته است».^{۲۴}

همچنین درباره مردم یکی از قبایلی که نهصد سال قبل از میلاد زندگی می‌کرده‌اند، چنین آمده است: «بالا تر از ارمیان و درکنار دریای

رتال جامع علوم انسانی



سیاه، «سکاه» بیابانگردی می کردند. آن‌ها مردم وحشی و درشت اندام قبایل جنگی نیمه مغول و نیمه اروپایی بسیار نیرومندی بودند که در ارابه به سر می بردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می داشتند.^{۲۵} این مورخ در جای دیگر می نویسد: «زنان فقط در صورتی می توانستند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن‌های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند». از قول یکی از فلاسفه یونان باستان نیز درباره شدت پوشش زن، چنین نقل می کند که: «نام یک زن پاکدامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان داشت».^{۲۶}

در زمان آشوریان زنان شوهردار، زنان دربار آشوری و اساساً زنان بزرگ دربار، از همان بدو تولد پوشش داشتند. اهل حرمسرا و ندیمان نیز به هنگام همراهی بانوان خود، موظف به داشتن پوشش بودند. همه زنان در صورت تأهل، در خیابان‌ها و در مجامع عام باید موهایشان را بپوشانند. بانوان دربار از هنگام تولد به داشتن حجاب ملزم بودند و کنیزکان آن‌ها به هنگام همراهی بانوان باید حجاب را حفظ می کردند. اگر مردی کنیزش را به ازدواج خود درمی آورد، آن کنیز از زنان شوهردار محسوب می شد و باید حجاب را حفظ می کرد.

در کتیبه‌های قدیمی نیز مطلبی درباره زنان بلند مرتبه بابلی وجود دارد که به نیمه اول هزاره قبل از میلاد مسیح بر می گردد. در این کتیبه‌ها، فرمان‌هایی وجود دارد که برای انتقام از بابلیان صادر شده است. زنان بابلی ملزم به اجرای کارهای پست هستند و باید حجابشان را از سر بدارند و پاهایشان را برهنه کنند. نوع پوشش در آن زمان را می توان بر دو نقش برجسته به دست آمده از بین‌النهرین، مشاهده کرد. این دو نقش برجسته، اکنون در موزه بریتانیای لندن موجود است.

یکی از این نقش‌ها، گروهی از زنان و دختران را در حال ترک شهر مصیبت‌زده «لاچیش» نشان می دهد. کتیبه دوم گروهی از زنان را مشخص می کند که با هم صحبت می کنند. این کتیبه‌ها از سال‌های ۶۸۱ تا ۷۰۴ قبل از میلاد به دست آمده است. در نقش برجسته‌ها

زنان، بالاپوش‌هایی بلند بر تن دارند و پوششی نرم و آزاد بر سر و پیشانی‌شان دیده می شود. در بالاپوش‌هایی که بر تن زنان گروه دوم است، حاشیه‌ای به چشم می خورد که از استفاده نوعی دستمال گردن حکایت می کند.^{۲۷}

در طول دوره جمهوری اول روم، زنان پوششی بر سر نداشتند. تعداد بی شماری مجسمه و نیم تنه از زنان این دوره بر جای مانده است. در دوران آگوستوس پادشاه روم و بین سال‌های ۶۳ قبل از میلاد و ۱۴ بعد از میلاد، پوشش دیگری بر لباس زنان افزوده شد. چندین قرن بعد در پوشش سر، استفاده از ردای بلند در میان بانوان روم نمودی طبیعی پیدا کرد؛ بنابراین در نیمه اول هزاره بعد از میلاد، حجاب سر و جامه بلند در میان زنان شمال آفریقا و سواحل شرقی مدیترانه نیز گسترش یافت.

در طول دوران حکومت رومیان، مردمان آفریقای شمالی که بربر بوده‌اند، لباسی از پوست حیوانات بر تن می کردند و یا این پوست را بر روی شانه‌شان می انداختند. از نظر نویسندگان رومی، یکی از متداول‌ترین شیوه‌های پوشیدن لباس در آفریقای شمالی، برگرفته از لباس رومیان البته بدون کمربند است. شکل دیگر پوشش در این ناحیه، قبل از اسلام که توسط نویسندگان یونان و روم توصیف شده است، پارچه بزرگی است که به منزله ردایی تمام بدن را می پوشاند. این جامه را هم مردان و هم زنان و به گونه‌ای متفاوت می پوشیدند. در مناطق شرقی امپراتوری روم نیز حجاب وجود داشته است. یکی از مهم‌ترین منابع این اطلاعات درباره شکل پوشش در این ناحیه از پالمیرا واقع در سوریه کنونی به دست آمده است. تندیس‌ها و تندیسک‌های بی شماری که از این ناحیه به دست آمده است، تصویری از نوع پوشش زنان و مردان را نشان می دهد. آنچه از این منابع به دست آمده است، نشان می دهد که زنان خود را می پوشاندند و بعضی از آنان حتی خود را به سختی در لفاف می پیچیدند.^{۲۸}

از هزاره اول بعد از میلاد مسیح، از حجاب زنان عرب نوشته‌هایی بر جای مانده است که نشان می دهد زنان عرب در اماکن عمومی

رتال جامع علوم انسانی





و بین مردم خود را کاملاً می‌پوشانده‌اند، به گونه‌ای که تنها یک چشم آنان نمایان بوده است.

زنان عرب تبار که نه تنها سر، بلکه صورتشان را نیز می‌پوشاندند و مخموری برق یک چشم را بر نمایان کردن صورت ترجیح می‌دادند. برای آن‌ها دیدن، برتر از دیده شدن بوده است. گواه استفاده از حجاب در شبه جزیره عربستان را در برخی اشعار عربی قبل از اسلام در قرن ششم بعد از میلاد می‌توان یافت. در برخی از این اشعار، به این آرزو اشاره می‌کند که حجاب از میان برداشته شود و زیبایی نهفته در پس آن عیان شود. در سال‌های پس از ظهور اسلام، زنان این شبه‌جزیره طبیعتاً سر و صورت خود را به شکل‌های گوناگون در انظار عموم می‌پوشاندند. یکی از رایج‌ترین انواع البسه در آن زمان، ردایی بود که «جیل باب» نامیده می‌شد که این ردا تمام بدن به استثنای یک چشم را می‌پوشاند. مراجع دیگری، مبین نوعی از پوشش سر در آن دوره است که «ماندیل» نامیده می‌شده است، اما چگونگی آن برای ما واضح و آشکار نیست.

مردم عرب، چه آنها که بیابانگرد بودند و چه ساکنان شهرها، سنت قدیم خود را پس از اسلام نیز ادامه دادند و در همان شیوه پوشش قدیم ثابت‌قدم ماندند. برای زنان شیوه پوشش، استفاده از ردایی بلند و فراخ در اماکن عمومی بود. این نوع پوشیدن لباس در این منطقه به نظر می‌رسد که به هزاره دوم قبل از میلاد مسیح مربوط می‌شد.^{۲۹}

حالا باز هم بد نیست اگر سرکی - حتی دزدکی!!! - میان عکس‌های تاریخی خیلی قدیمی - همان تحریف نشده‌ها! - و عکس‌های امروزی بکشی ... بعد خودت حدیث مفصلش را بخوان. مقاله‌مان دیگر جا ندارد!

پی‌نوشت‌ها:

۱. عهد عتیق، انجمن پخش کتب مقدسه، لندن، ۱۹۹۲، تورات، سفر تثنیه: ۱۰/۷ و ۱۰/۷: سفر خروج: ۱۷/۲۰ و ۱۷/۲۰.
۲. همان، سفر لاویان: ۱۹/۳۰.
۳. همان، سفر پیدایش: ۲۴/۶۵-۶۴.
۴. همان ۱۵/۱۳ - ۱۴.
۵. عهد عتیق، کتاب اشعیا: ۱۸۳-۱۶.
۶. تلمود، میشنا کتوبوت: ۶۷.
۷. دورانت، ویل؛ تاریخ تمدن، ترجمه امیرحسین آریانپور و دیگران؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵؛ ج ۱۲، ص ۶۳.
۸. رک؛ آفاحسین شیرازی، ابوالقاسم؛ پوشاک زنان ایران از آغاز تا امروز؛ انتشارات اوستا فراهانی، ۱۳۸۳؛ ص ۸۷.
۹. فرزندان استر؛ مجموعه مقالات به کوشش هومن سرشار، ترجمه مهرناز نصریه؛ نشر کارنگ، ۱۳۸۴؛
۱۰. عهد جدید؛ انجمن نشر کتب مقدسه؛ نیویورک، ۱۹۹۴؛ انجیل متی: ۲۷-۳۱/۵.
۱۱. رساله پطرس: ۷۳-۱.
۱۲. رساله اول پولس به تیموتائوس، ۱۵/۲-۹.
۱۳. رساله پولس به تیطس: ۲/۷-۳.
۱۴. تاریخ تمدن، ج ۳، ص ۴۹۸.
۱۵. رساله پولس به تیموتائوس: ۶۵.
۱۶. ناس، ۱۳۸۲؛ ص ۶۴۰.
۱۷. فوگل، ۱۳۸۰؛ ص ۲۷۸.
۱۸. ضیاءپور، جلیل؛ پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان؛ تهران؛ ص ۵۴.
۱۹. همان.
۲۰. تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۲۱۵۵۲. پوشاک زنان ایرانی، ص ۱۹۴.
۲۲. همان، ص ۱۱۴.
۲۳. وجدی، محمد فرید؛ دائرةالمعارف القرون العشرین؛ بیروت، ۱۹۷۱م؛ ص ۱۹۲۳.
۲۴. تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۲۰.
۲۵. همان، ص ۴۴۶.
۲۶. همان، ص ۴۵۰.
۲۷. ایست وود، ولگسانگ؛ تاریخ حجاب، زن در روزنامه زن (مجموعه مقالات منتشر شده در روزنامه زن)، مترجم ونوس چرمچی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات قله؛ ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۲.
۲۸. همان، ص ۱۹۶.
۲۹. ترنر ویل کاکس، روت؛ تاریخ لباس، مترجم شیرین بزرگه‌هر؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات توس؛ ۱۳۸۰، ص ۳۹؛ تاریخ حجاب، ج ۱، ص ۱۹۹.